



یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۲۸۶

[فرهنگ وهنر]

به عبارت دیگران

این همان نجف و کربلای همیشگی است!؟

من شاید به ۲۰-۱۰

کشور از غرب و شرق عالم سفر کرده‌ام. هیچ جایی از لحاظ آزادی‌های جنسی مثل هلند نیست. اینقدر در ایسن آزادی‌ها پیش

رفته‌اند که دارند از حیوانات هم جلو می‌زنند. شما بعضی حیوانات را می‌بینی کمی حیا دارند، اینها مطلقاً به چیزی از جنس حیا اعتقاد ندارند اما چه کسی گفته مشکل ندارند؟ چه کسی گفته توی این کشور دیگر جرم و جنایت رخ نمی‌دهد؟ مگر طمع انسان حد و اندازه دارد؟ هر چقدر هم که بهش بدهی باز هم می‌خواهد. آدم این مسائل را که در غرب می‌بیند می‌فهمد دین چه کرامتی برای انسان مؤمن قائل شده. سال ۲۰۰۲ دختری را برای ازدواج به من معرفی کردند خانواده‌اش ایرانی بودند اما سال‌های بسیاری بود که به هلند مهاجرت کرده بودند. خانواده‌شان شاید چندان گرانش‌های دینی نداشتند اما خود دختر ختم به مرور نسبت به یکسری مسائل دینی حساس‌تر شده بود و گرانش‌های دینی پیدا کرده بود. گفتم اتفاقاً من دنبال چنین دختری هستم؛ کسی که خودش پیگیر معارف دینی باشد. بعد از ازدواج هزینه‌های زندگی بیشتر شده بود. با این حال تلاش می‌کردم به خانواده‌ام توی ایران هم کمک کنم تا راحت‌تر زندگی کنند. یکی از بهترین پیشنهادهای کاری که آن روزها پیدا کردم و پر درآمد هم بود، شرکت در دوره‌های آموزش امنیتی بود. توی هلند شرکت‌های خصوصی کارهای حفاظتی و امنیتی انجام می‌دهند. بگذریم. همه این دردها و دغدغه‌ها تا وقتی بود که به زیارت اربعین نرفته بودم. از طریق حاج آقا پناهیان با اربعین آشنا شدیم. شنیدیم که زیارت متفاوت وبی‌نظیری است. بین رفقای هلندی‌مان اعلام کردیم: آقا هرکس برای زیارت اربعین می‌آید یا علی، سال اول حدود ۲۰-۳۰ نفر آماده شدند. یک گروه از آلمان داشتند جمع می‌شدند که قرار شد ما هم به آنها بپیوندیم. شیخ حسنین که ساکن آلمان بود و اهل عراق، گفت ما داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم برای یک گروه حدوداً ۴۰۰ نفره. شما هم اگر می‌آیید، می‌توانیم برویم. ما هم گفتیم خدا خیرت بدهد، دنبال همین می‌گشتیم. اربعین خوبی‌اش این است که همه باهم جمع شوند و یک‌جا بروند. توی جمع ما چچه‌های افغانستان، ایران و پاکستان بودند. مناسبت‌های زیادی کربلا رفته بودم؛ از دهه محرم گرفته تا مناسبت‌های دیگر اما از همان فردگاه که وارد نجف شدیم، دیدم همه چیز فرق می‌کند با سفرهای دیگر. گفتم اینجا کجاست؟! ما باز هم نجف آمده بودیم، ولی این انگار یک نجف دیگری است. همین مسیر نجف تا کربلا را ایام دیگر که می‌رفتم، دوست داشتم پیاده برویم تا ببینیم خطوری است و با سیستم سنتی عراق و مردمش آشنا شویم. آن روزها خلوت بود ولی حالا انگار مهم‌ترین حادثه عالم رخ داده. اصلاً انگار ظهور شده. اینجا چه کسانی هستند؟! اینجا کجاست؟! این همان نجف است؟! همان کربلاست؟! پشت سرم پرواز دارد می‌نشیند. قصه چیست؟

بهزاد دانشگر / موکب آمستردام
انتشارات عهد مانا

اثر کلام یا اختلال حواس!؟

جناب استاد علامه طباطبایی این مطلب را از استادش جناب قاضی نقل می‌کرد که ایشان فرمود: من که به نجف تشرف حاصل کردم روزی در معبری آخوندی را دیدم که شبیه آدمی که اختلال حواس دارد راه می‌رود. از یکی پرسیدم که این آقا اختلال فکر و حواس دارد؟ گفت: نه! الان از جلسه درس اخلاق آخوند ملا حسینیقلی همدانی به‌در آمده. هر وقت آخوند صحبت می‌فرماید در حضار اثری می‌گذارد که بدین‌صورت از کثرت تأثیر کلام و تصرف روحی آن جناب از محضر او بیرون می‌آیندا

داستان‌های عارفانه در آثار علامه حسن‌زاده‌املی صفحه۱۷۶

نماز شکر

شب عاشورا حالم خوش نبود. نزدیک اذان صبح بلند شدم ۲ رکعت نماز خواندم و گفتم: «خدا یا! ممنونم ازت. ۲۸ سال او را به من بخشیدی. قرار بود آن موقع بروم. اما! ممنونم». بیست‌وچند سال پیش، روزه خانه پدرم در روز تسوعا، وقتی موتور زد به مصطفی، او را نذر کردم. گفته بودم: با حضرت عباس! خودت مصطفی را حفظ کن. من او را نذر سربازی تو می‌کنم. قول دادم که سرباز خوبی تحویل علمدار بدهم؛ سربازی که اتفاقاً روز تسوعا شهید شد و رفت کنار حضرت عباس علیه‌السلام.

سرباز روز نهم
آروایتی از زندگی و زمانه بسیجی مدافع حرم شهید مصطفی صدرزاده! حکیمه افقه- صفحه ۵۷۹

نگاه

وضو با تپش رنگ‌ها

ادامه از صفحه اول

امروز، با رفتنش، خلالتی مانده که نه با نمایشگاه پر می‌شود و نه با فروش تابلو. جای خالی‌اش، جای خالی هنرمندی است که می‌توانست یک ملت را به یک تصویر دعوت کند و در آن تصویر، گذشته و حال و آینده را کنار هم بنشاند. شاید «عصر عاشورا» بعد از او بیش از پیش به یک آیین‌ه بدل شده؛ آیینی که هر بار در آن نگاه کنیم، دوباره صدای سم اسب‌ها و هق‌هق خیمه‌ها را بشنویم. فرش‌چیان رفت اما بوم‌هایش هنوز بر دیوار ایمان آویخته‌اند؛ یادگار مردی که رنگ را با وضو برداشت و خط را با ذکر کشید. اینگونه است که برخی مرگ‌ها پایان نیست؛ آغاز فصل تازه‌ای از حیات است؛ حیاتی که از تپش رنگ‌ها آغاز می‌شود و به شور کربلا می‌رسد.

حضرت امام حسین (ع):

کسی که با نیرنگ و معصیت خدا، در پی به‌دست آوردن چیزی رود، کمتر به آنچه امید دارد می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد، دچار می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیر عامل: رضا شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷
پيام‌رسان: info@vatanemrooz.ir پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



محمود فرشچیان، استاد نگارگری ایران در ۹۶ سالگی دار فانی را وداع گفت

رنگ خدا

نوع انتخاب مضامین، قاب‌هایی که در آن صورت شخصیت‌ها پیدا نیست اما احوال چهره‌شان کاملاً واضح است و چندین و چند مورد دیگر در تابلوهای استاد فرشچیان جزو برجستگی‌هایی است که به لحاظ زیبایی‌شناختی می‌تواند فراتر از نقاشی، به طور کلی در جهت‌گیری هنر ایرانی موثر باشد. در ادامه بر تعدادی از این ویژگی‌های برجسته آثار استاد فقید مرحوم محمود فرشچیان مروری داشته‌ایم.

معنابخشی با رنگ

قابل توجه است. رنگ سفید از سویی با خلوص، پاکی، پارسایی و آموزه‌های دینی پیوند دارد و از سوی دیگر نموداری از صلح و امنیت است.

در ایسن آثار، رنگ سفید در جامه معصومان و شخصیت‌های مذهبی به کار رفته که معرف قداست، عصمت و ایجاد صلح و آرامش توسط ایشان است. فاطمه بنت اسد و حضرت امیر در «مولود کعبه»، علی‌اصغر و امام حسین در «هدیه عشق»، حضرت زهرا در «شفاعت» و حضرت مهدی در تابلوی «امید» را می‌توان در این زمینه مثال زد. رنگ سبز هم نشانی از سیادت و تأکیدی بر سلاله پیامبر و امامان معصوم و همچنین مفهوم پایداری و ایستادگی را در نگاره «پرچم‌دار حق» مورد توجه قرار داده است. این رنگ در نگاره‌های هنرمند عمدتاً در تزئین شال یا خود شال و یا به صورت هاله اطراف سر به کار رفته تا بر سلاله و سیادت تأکید ورزد. نمونه آن را در تولد امید، هدیه عشق، یتیم‌نوازی، شفاعت، پرچمدار حق، غدیر و ضامن آهو می‌توان دید. رنگ آبی صرف‌نظر از خاصیت سردش، رنگ ثبات، کمال، صلح، آرامش و نمادی از قداست و امید است. این رنگ در نگاره‌های مولود کعبه و امید، اشارتی لطیف به صلح و آرامش و حضور حضرت مهدی موعود است.

استاد فرشچیان با خطوط روان و ترکیب‌بندی‌های ظریف و مدور، راز و رمزا و اشارات درونی نهفته را در آثار خود به وجود می‌آورد. در همین حال با نوآوری در گزینش موضوع و پرداخت اثر به گستره‌ای فراتر از قالب‌های مرسوم می‌رسند. رنگ‌های تابناک و موجایی که در آثار استاد دیده می‌شوند، آیتی است از ابتکار که اسانه‌ای به نظر می‌رسد.

به‌کارگیری رنگ، اعم از نوع یا انتخاب رنگ‌های مورد توجه هنرمند، بنا بر امکانات و روحیات و موضوع اثر، قابل توجه است. بر خلاف مواد رنگی که در آثار نگارگری پیشین به صورت تخت، خالص و پرتالکو و محاط در قلم‌گیری در کنار هم قرار گرفته‌اند، استاد فرش‌چیان با تلفیق رنگ‌ها، بویژه با استفاده از اکریلیک که به صورت نوین در نگارگری استفاده شد، به تنوع و توسعه بیانی بیشتری دست یافت و توانست درخشدگی بیشتری را در رنگ‌گذاری ایجاد کند.

انتخاب رنگ و شیوه رنگ‌گذاری در این آثار این واقعیت را آشکار می‌سازد که زمینه مذهبی – تاریخی و اعتقادی به مفاهیم و مضامین آنها معنای ویژه‌ای بخشیده است. رویکرد هنرمند در به کارگیری رنگ‌های سفید، سبز و همچنین آبی و حتی در مواردی رنگ زرد در آثار مذهبی

نقاشی ایرانی نوین

داستان‌های مذهبی به فرشته – موجودی فرازمینی که رنگ و لعاب فراوان در ادوار تاریخی به خود گرفته است- شکلی ویژه بخشیده است. سیر تحول تصویری فرشته در طول اعصار، لباس‌های ملونی به تن کرده است اما در دوران معاصر چه نقشی بازی کرده است؟ نگارگری ایرانی تقلید یا توصیف صرف طبیعت نیست، بلکه نمایش خیال‌انگیز، شاعرانه و نمادین میان انسان و طبیعت و عالم ملکوت است. ریشه و شالوده این نگاه به تفکرات اسلامی بازمی‌گردد. در این میان هنرمند ایرانی از دیرباز به عالم ارواح، فرشتگان، دیوان و موجودات خارق‌العاده باور داشته و با این اعتقاد و با تغییر در عناصر و فضای مادی کوشیده راهی را برای القای جهانی غیرمادی و معنوی باز کند. فرشتگان یکی از موضوعاتی هستند که نگارگر با تکیه بر اعتقادات و تخیلات خود دست به بازنمایی آن می‌زند. بنا بر روایات، فرشتگان از نور آفریده شده‌اند و همواره به عبادت و تسبیح خداوند مشغولند، هیچ‌گاه از این کار فراغت نمی‌یابند و سستی نمی‌ورزند و به اذن خداوند در جهان هستی تأثیرگذار هستند. به بالدار بودن فرشته‌ها اشاره صریحی شده است و در سوره مبارکه فاطر در قرآن مجید آمده است: «سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است، فرشتگان را فرستادگانی قرار داد که دارای بال‌های دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه‌اند. در آفرینش بیفزاید هر آنچه خواهد». فرشته در آثار نگارگری به

هنرمند را می‌توان با لحاظ کردن مبانی نظری و عملی آن، «نقاشی ایرانی نوین» نامید که در ادامه و در راستای سنت‌های اصیل نگارگری ایرانی به تکامل رسیده است. نگارگری ایرانی به نوعی نقاشی ظریف و ریزنقش ایرانی گفته می‌شود که در گذشته بیشتر برای کتاب‌آرایی ادبی، علمی و پزشکی انجام می‌شد

یا به گونه جداگانه ساخته می‌شد که به آن مربع می‌گفتند. امروزه این هنر از محدوده کتاب‌آرایی فراتر رفته است. نام کاملی که همه این بخش‌ها را در بر بگیرد «نقاشی ایرانی» است. پس از آشنایی غرب با هنر نگارگری شرقی از روی همانندی در اندازه، غریبان واژه مینیاتور را مثل برای نگارگری‌های ایرانی هم به کار بردند، در حالی که نگارگری ایرانی در بنیاد فلسفی و زیباشناختی‌اش با مینیاتورهای چین و ژاپن و از نگاه فنی با مینیاتورهای اروپا تفاوت دارد و تنها از دید اندازه و کوچکی با آنها یکی است. هنر نگارگری ایرانی – اسلامی از سده هشتم هجری تا سده یازدهم هجری شکوفایی نمایان داشت ولی نقش و نگارهای برج‌مانده از دوران پیش از اسلام تا زمان حمله مغولان و همچنین کارهای دیوارنگاری، پرده‌نگاری، قلمدان‌نگاری و مانند آن در سده‌های نزدیک‌تر هم نمونه‌هایی دیگر اما کمتر شناخته‌شده از نقاشی ایرانی به‌شمار می‌روند.

یکی از عناصر برجسته در آثار استاد فرشچیان «فرشته» است. عمدتاً دوران اسلامی با آثار روایی و

خیلی‌ها فرشچیان را با واژه مینیاتوری می‌شناسند و عده‌ای دیگر ممکن است تصور کنند او صرفاً متعلق به مکتب نقاشی ایرانی است. به نظر می‌رسد به کار بردن واژه «نقاشی ایرانی» یا «نگارگری» درباره شخصی مثل استاد فرش‌چیان به مراتب سنجیده‌تر و رساتر از مینیاتور است.

واژه مینیاتور کوتاه شده واژه فرانسوی مینی موم ناتوالر و برابر با جهان کوچک است و در واژه برابر با کوچک‌تر نشان دادن است. این واژه در آغاز قرن گذشته به فرهنگ مطالعاتی هنر ایران راه یافت و سپس به گونه همگانی کاربرد پیدا کرد. واژه مینیاتور تنها به نگارگری ایرانی گفته نمی‌شود، بلکه هر اثر ریزنقش و ظریف هنری که این ویژگی‌ها را داراست به همین نام خوانده می‌شود. گفستن واژه مینیاتور به نگارگری‌های کهن ایرانی تارلسا و گمراه‌کننده است. البته باید گفت با وجود اینکه نگارگری، برابری شایسته برای نقاشی اصیل ایرانی است اما در عین حال نمی‌توانیم واژه نگارگری سنتی را به آثار فرشچیان تعمیم دهیم، چرا که با وجود برخی اشتراکاتی که در مبانی اصیل نقاشی ایرانی دارند، اختلافات برجسته‌ای نیز به همراه دارند. فرشچیان در همه ویژگی‌های نقاشی ایرانی، دارای خلاقیت و نوآوری است که دستاورد آن مبانی نظری و عملی بوده است که همین مبانی منجر به ایجاد و ایجاد سبک و تشخیص هنری هنرمند شده است. آثار این

پس از سال‌ها غیبت موضوعات شیعی در نگارگری، استاد محمود فرشچیان به عنوان یکی از سرحلقه‌های تحول در نگارگری معاصر، تجربه‌ای نو را در مواجهه با موضوع و مضمون شیعی آزمون.

معروف‌ترین اثر فرشچیان تابلوی عصر عاشورااست. البته او آثار مذهبی پراوازه دیگری هم دارد از جمله تابلوی «ضامن آهو»: طرحی از شمایل امام رضا؛ تابلوی

«پنجمین روز آفرینش»: در ایسن تابلو همه مخلوقات زمینی و آسمانی به ستایش پروردگار مشغولند؛ تابلوی «ابراهیم نبی»: تصویر حضرت ابراهیم(ع) در آتش و گلستان شدن آتش بر ابراهیم(ع)؛ تابلوی «شمس و مولانا»: از یکی از اشعار مولانا الهام گرفته شده است؛ تابلوی «ستایش»: به گفته خود او این تابلو برداشتی از مفهوم آیه «يَسْجُدْ لِمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»

است؛ تابلوهای «آسمان چهارم» و «شام غریبان»: یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴ در مجموعه فرهنگی – تاریخی سعدآباد رونمایی شد و تابلوی «یتیم‌نوازی علی»: با نام اصلی «پناه»، مهربانی و یتیم‌نوازی حضرت

علی‌بن ابی‌طالب را سوزه اصلی کار قرار داد.

همچنین طراحی‌های ضریح مطهر و منور حضرت اباعبدالله(ع) و ثامن‌الائمه حضرت رضا(ع) به قلم ماندگار

و باکفایت استاد فرشچیان انجام شده که این نقوش زرین، بادمانی است خجسته در تاریخ فرهنگ و هنر ایران و استاد فرشچیان این موارد را به صورت افتخاری انجام داده و به این توفیق، مفتخر است. ایشان به طور کل برای هیچ‌کدام از تابلوهای مذهبی‌شان که بسیار پر تعداد هم هستند و بخش اعظم کارنامه کاری‌شان را تشکیل می‌دهد، هیچ پولی دریافت نکرده‌اند.